

برنامه ای که تحت عنوان "رفاه جزء در رفاه کلّ است"، تقدیم میگردد قصد دارد هر یک از ما را به این حقیقت بزرگ متذکر دارد که در دنیای کنونی تنها راه نیل به رفاه و آسایش فرد، تحقق رفاه و آسایش جمع است. البته به وضوح میدانیم که منظور از این رفاه، صرفاً مادی نبوده بلکه رفاه معنوی را نیز شامل میگردد چه که انسان تنها در جسم و بُعد مادی خود خلاصه نمیگردد و بدیهی است بُعد دیگر حیات او که حیات روح است همواره مورد توجه می باشد.

در آئین بهائی مفهوم انسان به صورت جدیدی بازتعریف گردیده است به گونه ای که انسانیت او در گرو خدمت به عالم انسانی می باشد

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید" بر این اساس اصلی ترین هدف در زندگی هر فرد بهائی خدمت به دیگران است و با این نگاه هرگز سعادت و رفاه را برای خود جستجو نمی نماید بلکه سعادت خود را در گرو سعادت دیگران میداند. و البته به این حقیقت یقین دارد که:

"احتیاجات نوع بشر نه از طریق رقابتهای بین المللی و نه از طریق اعتراضات علیه بی عدالتیهای بی شماری که دنیای امروز را مستأصل کرده است برآورده خواهد شد. یافتن راه حلّ اصلی برآوردن این نیازها، منوط به حصول تغییری بنیادی در افکار و اذهان بشری و استقبالی صمیمانه از پند و اندرز جمال مبارک است که می فرمایند وقت آن رسیده است که هر فرد انسانی در خود احساس مسئولیت برای رفاه و سعادت همه هموعان خود نماید."

امیدواریم هر کدام از ما بتوانیم در این مسیر موفق باشیم

• لطفا متن فوق در آغاز برنامه خوانده شود

مؤید باشی

حضرت بهاء الله می فرمایند:

آسایش هنگامی دست دهد که هر کس خود را نیک خواه همه روی زمین نماید

عنوان: رفاه جزء در رفاه کلّ است

قسمت روحانی

۱-مناجات شروع

۲-مناجات دوم

۳-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۵- بیان مبارک حضرت عبدالبهاء

۶- قسمت‌هایی از رساله مدنی به قلم حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۷- قسمتی از توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله

۸- بخشی از پیام اول مارس ۲۰۱۷

۹- رسم ره این است (به قلم دکتر علیمراد داوودی)

۱۰-شور و مشورت

۱۱-برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۲-الفت و پذیرائی

۱۳-مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

هو الله

...پروردگارا کلّ را تأیید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گردند و شرق و غرب را آرایش بخشند. سبب الفت و اتحاد عالم گردند و خادم نوع بشر شوند. جمیع امم را به جان و دل دوست حقیقی گردند و کافّه ادیان را در نهایت روح و ریحان یار روحانی شوند. ظلمات بیگانگی محو کنند و آواز یگانگی در جهان منتشر فرمایند. خداوندا کلّ را در پناه خویش پناه ده و به الطاف بی پایان شادمان و کامران فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی بیننده و شنوا. ع ع

مجموعه مناجاتهای آلمان ص ۴۸

هُوَ اللهُ

ای معشوق این شیدائیان و مقصود این سودائیان، پریشانیم جمعیتِ خاطری عطا فرما. مُستمندانیم، توانگر کن. دردمندیم، درمانی عنایت نما. مجروح و موعومیم، مرهمی مرحمت فرما. گمگشتگانیم، هدایت کن. تشنگانیم، سیراب نما. آشفتهگانیم راحت و سکون ده. ذلیلیم، پرتو عزّت بخش. افتاده ایم، دستگیر شو. آزردهگانیم، شادمانی بخش. افسردهگانیم، حرارت و شوقی عطا فرما. به خدمت دوستانت موفّق نما و به عبودیت یارانت مؤیدکن. اینست منتهی آرزوی دل و جان، اینست منتهی آمال جنان و وجدان . ع ع

مجموعه مناجاتهای آلمان ص ۲۹۹

۳-بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

و در کلمات فردوسیّه میفرماید:

کلمة الله در ورق سوم از فردوس اعلی

يَا اَيْنَ الْاِنْسَانِ لَوْ تَكُونُ نَاطِرًا اِلَى الْفَضْلِ صَعَّ مَا يَنْفَعُكَ وَ حُدُّ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ الْعِبَادُ وَ اِنْ تَكُنْ نَاطِرًا اِلَى الْعَدْلِ اخْتَرْ لِدُونِكَ مَا تَحْتَازُهُ لِنَفْسِكَ.

و نیز می فرماید:

يَا اِحْبَائِي مَا خُلِقْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ بَلْ لِلْعَالَمِ. ضَعُوا مَا يَنْفَعُكُمْ وَ حُدُّوا مَا يَنْتَفِعُ بِهِ الْعَالَمُ

ص ۲۰۲ ج ۳ امر و خلق

در بیانی دیگر می فرماید:

آنچه سبب نفع عالم است هر چه باشد لدى الله مقبول و محبوب و دون آن هر چه باشد مردود چه که این ظهور محض نجات و اصلاح و اتحاد و اتفاق و راحت اهل عالم بوده.

ص ۲۰۴ ج ۳ امر و خلق

همچنین می فرماید:

باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش و راحت بیچارگان روزگار است

ص ۱۳۰ فضائل اخلاق

ای خادمه‌عالم انسانی... هر امر عمومی الهی است و هر امر خصوصی ناسوتی لهذا مبادی مظاهر مقدسه الهیه جمیع عمومی بود و شامل عالم انسانی بود. هر انسان ناقصی خود پرست و در فکر راحت و منفعت خویش است چون یک قدری فکرش اتّسع یابد در فکر راحت و نعمت خاندانش افتد اگر فکرش اتّسع بیشتر یابد در فکر سعادت اهل شهرش افتد و چون افکار مُتّسع بیشتر شود، در فکر عزّت وطن و ملتش افتد و چون افکار اتّسع تامّ یابد و بمنتهی درجه کمال رسد، در فکر علویّت نوع انسان افتد. خیر جمیع خلق طلبد و راحت و سعادت جمیع ممالک را. این دلیل بر کمال است لهذا مظاهر مقدسه الهیه در فکر عموم بودند و در حیات عموم کوشیدند و بتربیت عموم پرداختند. مقاصدشان مَحْصور نبود بلکه شُمول و اتّسع عمومی داشت. پس شماها نیز باید در فکر عموم بشر باشید که نوع انسانی تربیت شود و اخلاق بکلی تعدیل یابد و روی زمین بهشت برین شود جمیع اهل ادیان و ملل را دوست داشته باشید یعنی دوستی حقیقی صمیمی و این دوستی را بعمل بنمائید نه بلسان چه که بلسان اهمیتی ندارد اکثر بشر بلسان خیر خواهند و لکن عمل امتحان است

منتخبات مکاتیب ج ۱ ص ۶۶

۱۰- شور و مشورت

بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ اول مارس ۲۰۱۷ می فرمایند:

احبّا هر جا که ساکنند باید ورای ارزش‌های رایج در نظم کنونی محیطشان به اجرای تعالیم الهی در زندگی روزمره توجه نمایند و با استفاده از فرصت‌های مقتضی کمک‌های فردی و جمعی خود را در جهت عدالت اقتصادی و پیشرفت اجتماعی در محلّ سکونت خویش ارائه دهند. چنین کوشش‌هایی موجب رشد روزافزون دانش در این زمینه خواهد شد

به نظر شما هر کدام از ما چگونه میتوانیم به این امر مهم موفق گردیم؟

۶--قسمتهائی از رساله مدنیه به قلم حضرت عبدالبهاء

شرافت و مفخرت انسان در آنست که بین ملأ امکان منشأ خیری گردد . در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصوّر است که انسان چون در خود نگرد مشاهده کند که بتوفیقات الهیه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیئت بشریه است؟ لا والله بلکه لذّت و سعادتِ اتمّ و اکبر از این نه . تا بکی بپر نفس و هوی پرواز نمائیم و تابکی در اسفل جهل به نکبت کبری چون امم متوحّشه بسر بریم؟ پروردگار چشم عنایت فرموده که در آفاق بنگریم و آنچه وسیله تمدّن و انسانیت است بآن تشبث نمائیم و گوش احسان شده تا کلمات حکمیّه عقلا و دانایان را استماع نموده و پند گرفته کمر

همت باجرای مقتضیات آن بر بندیم. حواس و قوای باطنیه عطا گشته که در امور خیریه جمعیت بشریت صرف نمائیم و بعقل دوربین بین اجناس و انواع موجودات ممتاز شده دائماً مستمراً در امور کلیه و جزئیه و مهمه و عادیه مشغول گردیم تا جمیع در حصن حصین دانائی محفوظ و مصون باشیم و در کلّ احیان بجهت سعادت بشریه اساس جدیدی تأسیس و صنع بدیعی ایجاد و ترویج نمائیم. چه قدر انسان شریف و عزیز است اگر آنچه باید و شاید قیام نماید و چه قدر رذیل و ذلیل است اگر از منفعت جمهور چشم پوشیده در فکر منافع ذاتیه و اغراض شخصیّه خود عمر گرانیه را بگذراند

رساله مدنیّه ص ۱

ممکن نیست که نفوس از منافع ذاتیه خود چشم پوشند و خیر خود را فدای خیر عموم نمایند الا به تدبیر حقیقی چه که در طینت انسانیّه محبت ذاتیه خود مُحَمَّر، و ممکن نیست بدون امیدواری اجر جزیل و ثواب جمیل از فوائد موقتّه جسمانیّه خود بگذرد. ولکن شخص موقن بالله و مؤمن بآیات او چون موعود و متیقن مَثوبات کلیّه اخرویه است و جمیع نِعَم دنیویّه در مقابل عزّت و سعادت درجات اخرویه کَانَ لَمْ یَكُنْ انگاشته گردد، لهذا راحت و منافع خود را ابتغائاً لِوَجْهِ اللَّهِ ترک نموده در نفع عموم دل و جان را رایگان مبذول دارد

رساله مبارکه مدنیّه ص ۱۱۴

۵- بیان مبارک حضرت عبدالبهاء

همیشه نفوس طیبه در بند راحت و آسایش خویش نبودند بلکه محض نورانیت عموم از نوش گذشتند و تحمل نیش فرمودند. راحت و خوشی و تکاسل و ترفه و تهاون و تناسل از هر نفسی برآید بلکه در این میدان هر کس نهایت قوّت و اقتدار بنماید. ولی تعاون و تعاضد و تحمل و تجلّد و جانفشانی کار هر نفسی نیست، این مختصّ به نفوس مبارکه است. نه هر غیبی نادان و مهمل ناتوان. ملاحظه نمائید از هر جهت نفوس بلند همت چه زمینی و چه آسمانی، چه جسمانی و چه روحانی، چه خاکی و چه افلاکی، همواره متحمل مشقّات عظیمه بودند و تا چنین نکردند موفّق نگشتند.

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۸۶

۷- قسمتی از توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله

فی الحقیقه جهان بسوی سرنوشت خویش روان است بگذارید رهبران نیروی تجزی بخش و تفرقه انداز جهان هر چه بخواهند بگویند. اما واقعیت اینست که امروز مردم و ملل جهان متقابلاً محتاج یکدیگرند و استقلال محض برای هیچ کس امکان ندارد. امروز بشر لزوم وحدت اقتصادی جهان را شناخته و فهمیده و دانسته است که رفاه جزء در رفاه کلّ است و مشقّت جزء، سبب مشقّت کلّ. آئین بهائی بفرموده حضرت بهاءالله انسان را پرواز جدید آموخته و عالم را قدرت سیر بسوی وحدت عطا فرموده.

ندا به اهل عالم ص ۸۸-۸۹

در جهانی بیش از پیش به هم وابسته، شرایط اجتماعی همهٔ مردمان مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد و اوضاع هر یک نمایان تر می‌شود. با وجود پیشرفتهای امید بخش هنوز مسائل بسیاری هست که باید بر وجدان نوع بشر سنگینی نماید. نابرابری، تبعیض، و استثمار آفت جان بشریت است... هر نفسیکه قلبش مجذوب تعالیم جمال مبارک شده باشد نمیتواند نسبت به این عواقب بی تفاوت بماند....

رفاه هر بخشی از مردم جهان به نحوی جدایی‌ناپذیر با رفاه کل به هم آمیخته است. وقتی هر گروهی بدون در نظر گرفتن آسایش همسایگانش تنها به رفاه خود اندیشد و یا منافع اقتصادی را بدون توجه به تأثیرش بر محیط زیست که تأمین‌کنندهٔ معاش همگان است دنبال کند، حیات جمعی نوع بشر است که دست‌خوش آسیب می‌شود. پس مانعی سرسخت در راه پیشرفت هدفمند اجتماعی قرار دارد: حرص و منفعت‌طلبی شخصی اغلب بر رفاه همگانی غلبه می‌یابد. ثروت در مقادیری وجداناً نامعقول اندوخته می‌شود و بی‌ثباتی حاصل از آن بر اثر توزیع نامتعادل درآمد و امکانات، هم در بین ملت‌ها و هم در درون ملت‌ها، وخیم‌تر می‌گردد. اما اوضاع الزاماً نباید چنین باشد. هرچند چنین شرایطی دست‌آورد تاریخ است ولی نباید مسیر آینده را تعیین کند و حتی اگر رویکردهای اقتصادی رایج جوابگوی نیازمندی‌های مرحلهٔ نوجوانی نوع بشر بوده است قطعاً برای رفع احتیاجات دوران طلوع عصر بلوغ او نارسا خواهد بود. هیچ دلیلی برای تداوم بخشیدن به ساختارها، قوانین، و سیستم‌هایی که آشکارا از تأمین منافع همگان عاجز است قابل توجیه نیست. تعالیم دیانت بهائی جایی برای شک و شبهه باقی نگذاشته است که کسب، توزیع و استفاده از ثروت و منابع، بُعدی اخلاقی در بر دارد.

۹-رسم ره این است (به قلم دکتر علیمراد داوودی)

آیین بهائی از شما می‌خواهد که این زندگی را با اخلاق بهائی که اساس آن ایثار و مواسات است منطبق سازید. از شما می‌خواهد که به نام بهائی بدون پرده پوشی و ظاهرسازی در میان دیگران، کسانی که چنین نامی را با خرسندی و خشنودی نمیشنوند، زندگی کنید. با حسن سلوک و حسن نیت خود مبلغ امر بهائی باشید. بد ببینید و بد نکنید، بد بشنوید و بد نگوئید، با بدان به سر برید و بد نشوید، با بدیها دریفتید و بدخواه بدان نباشید ... و شما در مکتب بهاء الله این درس را بسیار آسان می‌آموزید و بسیار نیکو به کار میندید. در مدرسه‌ها دانش می‌آموزید و می‌بینیم که در این راه چه پیروزیها به دست می‌آورد. بهترین دانش آموزان و مستعدترین دانشجویان را در میان شما می

یابیم و از اینکه چنین است سر بالا میگیریم و افتخار میکنیم، این تنها بدان سبب نیست که شما درس میخوانید و دانش می اندوزید بلکه از آنجا است که در چهره های شما به عیان می بینیم و در رفتار و گفتارتان آشکارا می خوانیم که این دانش را به قصد تحری حقیقت، به قصد روشن ساختن افکار، به قصد تهذیب اخلاق، به قصد رهائی دادن فرزندان سرگشته و راه گم کرده آدم و خلاصه کلام به قصد تبلیغ امر بهاء می آموزید. اگر کاری به دست می آورید، از آن کار ثروتی فراهم می سازید، با این ثروت قدرتی تحصیل می کنید، جملگی به نیت خدمت به عالم انسانی است. علم شما برای تعلیم دیگران، اخلاق شما برای نجات دیگران، ثروت شما برای رفاه دیگران، قدرت شما برای خلاص دیگران، صحت شما برای بهبود دیگران، سرانجام با یک کلمه توان گفت که وجود شما وقف وجود دیگران. آنگاه که شما به درگاه والای محبوب روی آورده و مهر او را در دل گرفته اید، آنگاه که او به کمال فضل خود بر شما منت گذاشته و این محبت را پذیرفته است، شرطی بزرگ با شما کرده و این شرط را با نغمه دل انگیز جانفزای خود به زبان آورده است. چه شرط سنگینی است و شما چه نیکو این شرط را دریافته و چه آسان بدان گردن گذاشته اید. آری عاشقید و عاشقان را جز این چاره نیست.

مقالات و رسائل در مباحث متنوعه ص ۳۰۹